

قانون اساسی که پایه‌های تشکیل دهنده نظام جمهوری اسلامی هستند. هیچ کدام نباید تعطیل و یا محدود شوند. قانون اساسی نیز یک اندام کامل است که هر کدام از اصولش جزئی از این اندام را تشکیل می‌دهند که هر کدام از این اجزاء دچار آسیب یا بیماری نشود، کل اندام را رنجور خواهد کرد. همه اصول آن باید به دقت باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

نکته دیگر که نباید نسبت به آن بی توجه بود آن است که، نسل امروز ما هم بر خلاف برخی اظهار نظرها، بی دین و یا گریزان از دین نیست، تنها از تظاهر و نفاق و دورویی و تبعیض و دروغ و ظلم و بی عدالتی بیزار است و هر گاه در رفتار برخی از مسوولان یا مدیران یا واعظان یا خطیبان یک یا چند یا برخی از آن ردایل را ببیند بیزاری می‌جوید. آنجا که در رفتار و در عمل مصادقت و دیانت نبیند، دوری می‌کند و این به معنای بیزاری از خدا و نظام و انقلاب نیست.

انقلاب و نظام اسلامی هنوز هم برای این نسل مناسب ترین گزینه است. نسل امروز هم خداجوست. عدالت محور است و با نظام پیوند دارد و البته انتظار دارد تا نظام هم حرفهایش را بشنود و به نیازهای درشتش پاسخ بگوید و این کاملاً حق اوست. اما یک خطر دیگر هم وجود دارد، فراموشی و نسیان. این خصیصه زمان است که فراموشی می‌آورد و اگر دقت نکنیم در تاریخ بسیاری از این فراموش کردنها تحریف هم آورده است. درست مثل تحریفی که در مورد انقلاب و ضرورت ایجابی آن این روزها می‌رود تا پیش از گذشته جای پای خود را باز کند و حتی به تظہیر رژیم گذشته بیانجامد. نسل امروز یا حداقل بهتر است بگوییم اکثریتی از مردمان و ایرانیان و بویژه جوانان

گوشه‌ای از پارک می‌بینید دقت کرده‌اید؟ ساعتها روز را به شب می‌رساند بدون آنکه از چیزی شکایت کند. شکوه‌ها، خنده‌ها، گریه‌ها و درد دل‌های جانسوز بسیاری از آدمیان را شنیده‌ام اما آیا کسی هست که به درد دل‌های او گوش کند؟ این نیمکت سالخورده گاهی با نسیم بهاری و شکوفه‌های صورتی نوازش می‌شود، گاهی با برگ‌های رنگین پاییزی و گاهی با سبیدی برفی سرد و سوزناک گرمای وجودش از دست می‌رود. بر این نیمکت آدم‌هایی نشستند و لختی آسوده‌اند. اما او جایش را به همه داده است، همه را تحمل کرده است. ما آدم‌ها گاه حتی به قدر یک نیمکت پارک هم نیستیم و نمی‌توانیم جایی به کسی بدهیم برای نشستن و یا گوش ساکتی باشیم برای شنیدن و یا اغوش مطمئنی برای غنودن.

چرا این همه اسراف می‌کنیم؟
در یک برنامه تلویزیونی گزارشی دیدم که نشانگر بی توجهی ما به زندگی است.
در این گزارش غذاهای روز میز یک رستوران به نمایش در آمده بود که پس از یک میهمانی توسط مستخدم به سطل زباله ریخته می‌شد. انواع و اقسام غذاها که بعضی از آنها دست نخورده بود. بشقابهای غذای نیمه خورده پر از مواد غذایی گران. بعضی از بشقابها دست نخورده. واقعاً ما به تاسف است که در سال اصلاح الگوی مصرف و در شرایطی که بسیاری از خانواده‌های ایرانی حتی یک

هیچ تصویری از رژیم گذشته ندارند و شاید برخی گمان کنند که پدرانشان از سر خوشی یا سبیری انقلاب کرده‌اند، در حالی که نسل امروز باید بدانند پدرانشان چه حق بزرگی داشتند تا نظامی را که بر پایه ظلم و فساد و تبعیض و وابستگی دیکتاتوری و حراج سر مایه‌های ملی و قربانی کردن هویت اسلامی و انسانی و عزت و سربلندی ایرانیان پیش پای امپریالیسم به عنوان ژاندارم منطقه شکل گرفته بود، با ایثارها و فداکاریها و شهید دادنها سرنگون کنند و زیر پرچم علمدار و سردار و رهبری قرار بگیرند که نه سودای قدرت داشت، نه سودای ثروت، از دنیا و تعلقاتش بریده بود و بنده صالح خدا بود.

نسل امروز با کمی مطالعه و تحقیق می‌تواند دریابد که هیچ اشتباهی صورت نگرفته که هیچ، چه کار بزرگ و شگرفی و چه کار درستی و چه بنیان‌پاکی استقرار پیدا کرده و این نظام و این انقلاب گرچه رسانه‌های بیگانه هر روز سعی در مشوه کردن چهره آن با انواع و اقسام دروغها و تهمت‌ها و توطئه‌ها دارند، اما هنوز هم استوار و با پر و در برابر ستم و زور و کفر ایستاده و به این ایستادگی افتخار می‌کند. اما شرط استمرار حیات طیبه این انقلاب و این نهضت کاستن از نقاط ضعف و افزودن بر نقاط قوت است و حرکت در مسیر خدایی و بی‌ش از همه حفظ اتحاد و وحدت کلمه و حرکت در مسیر خواسته‌های مردم.

این انقلاب هر گاه حمایت و پشتیبانی مردمی خود را از دست بدهد از هر زمان دیگری آسیب‌پذیر تر خواهد شد. مراقبت کنیم که خدمت به مردم و حرمت گذاشتن به خواست مردم که در اندیشه‌های بنیانگذار این انقلاب همواره یک اصل بنیادین بوده است، هرگز فراموشمان نشود.

وعده غذا برای خوردن ندارند و با وجود این همه دستور دینی در مورد صرفه‌جویی و عدم اسراف، بعضی از ما چنین زندگی می‌کنیم و چنین سفره‌هایی را تدارک می‌بینیم و آن همه مواد غذایی را به دور می‌ریزیم.

بد نیست بگوییم من خودم کودکی را دیدم که با دیدن آن غذاهایی که به سطل زباله ریخته می‌شد دهانش آب می‌افتاد و با حسرت به آن تصاویر نگاه می‌کرد. چقدر خوب است ما که برای یک شب میهمانی عروسی چندده میلیون هزینه می‌کنیم، فکر کنیم چه لذتی دارد که ما بابت گزاری یک مراسم ساده‌تر چهیز به یکی دو خانواده را تدارک ببینیم و یا گره‌ها از کار بنده خدا باز کنیم و یا لبخندی بر لبهای چند کودک یتیم بنشانیم؟ آیا چنین لذتی را تجربه کرده‌اید؟
حسین فیاضی - گناباد

دوستی اهل بیت

پیامبر فرمود: هر کس دوست داشته باشد که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در باغ بهشتی که پروردگارم پرورده جای بگیرد، باید بعد از من علی را و دوست او دوست بدارد و به پیشوایان بعد از من اقتدا کند که آنان عترت من هستند و از طینتم آفریده شده‌اند و از درک و دانشی ویژه برخوردار گردیده‌اند.
و اوای بر آن گروه از امت من که برتری آنان را انکار کنند و پیوندشان را با من قطع نمایند که خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نخواهد کرد.
فرستنده: محمود جعفری - کرمان

نامه به سردبیر

باسلامی گرم و صمیمی خدمت همه شما خوانندگان خوب و ارجمند مجله اطلاعات هفتگی و با بزرگداشت فرا رسیدن اربعین سالار شهیدان امام حسین (ع) و یاران باوفایش در کربلای همیشه سرخ تاریخ و با عرض پوزش همیشگی به خاطر تاخیر در پاسخ به موقع به نامه‌های شما عزیزان گرامی:

* فاطمه کیخسروی - تهران *

از ابراز لطف شما تشکر می‌کنم. پیشنهاد شما را با آقای گلباری در میان گذاشتم. موفق باشید.

* تبسم جعفری - کلاردشت *

نامه شما به همراه تصاویر اسالی به دستم رسید. از زحمتی که کشیده‌اید متشکرم و این نکته را خدمت شما عرض می‌کنم که برای چاپ عکس در مجله محدودیت‌هایی داریم و تصاویر اسالی نیز باید از کیفیت مطلوب برخوردار باشند. در میان تصاویر، عکس یک کودک هم بود که مشخصاتی نداشت. اگر می‌خواهید در صفحه شکوفه‌های زندگی چاپ شود، تلفنی به روابط عمومی اطلاع دهید. شاید بشود بعضی از این تصاویر را در صفحه‌های داخلی چاپ کرد. از زحمتی که کشیده‌اید تشکر می‌کنم.

* بهاره ندیری - کرج *

نامه شما را خواندم. از همکاری شما با نشریه استقبال خواهیم کرد. هر مطلبی را که احساس می‌کنید برای چاپ در مجله مناسب است می‌توانید بر ایمان ارسال کنید. بیشترین مزیت یک نشریه همکاری و مشارکت خوانندگان مطلع و خوش ذوق آن به حساب می‌آید. شاد باشید.

* حسن محمدزاده - امل *

مقاله شما در مورد حماسه جاودانه کربلا به دستم رسید. مقاله خوبی است. سعی خواهیم کرد در مناسبتهایی که در آینده خواهیم داشت از آن استفاده کنیم.

* مریم بیات - تهران *

از مطالعه نامه شما خواننده خوب و فرهنگی محترم خوشبخت شدم. کار شما کار ارزشمندی بود. در یکی از شماره‌های آینده این نامه را که می‌تواند برای خوانندگان هم درس آموز باشد چاپ خواهیم کرد. موفق باشید.

* محمد جواد غفوری - تهران *

برنامه‌ای را که به آن اشاره کرده‌اید خودم ندیدم، اما حرف شما را در نمی‌کنم. وقتی خودمان تحمل حضور مهاجرین همسایه را نداریم، آنهم مهاجرین مسلمان همسایه، قاعدتاً انتظار نباید داشته باشیم که کشورهای نامسلمان از جمله استرالیا مهاجرین را تحمل کنند. اما حرف این است که این نوع برخوردها به خاطر اختلافات مذهبی و یا مقابله با اسلام و اسلام‌ستیزی نباشد. ضمن اینکه در کشور ما همین حال هم برادران افغان زیادی کار و زندگی می‌کنند که کسی کاری به آنها ندارد و من هم چون شما معتقدم که اکثریت مهاجرین افغانی که در ایران کار می‌کنند، خوبند. نه دزد هستند و نه خلافکار و قاعدتاً نباید مورد آزار یا تحقیر یا توهین قرار بگیرند.

* غلامعلی چریکی - گچساران *

مطلب پیوست نامه شما انشاءالله در یکی از شماره‌های آینده درج خواهد شد.

غریب کسی است که دوست و جیبی ندارد